

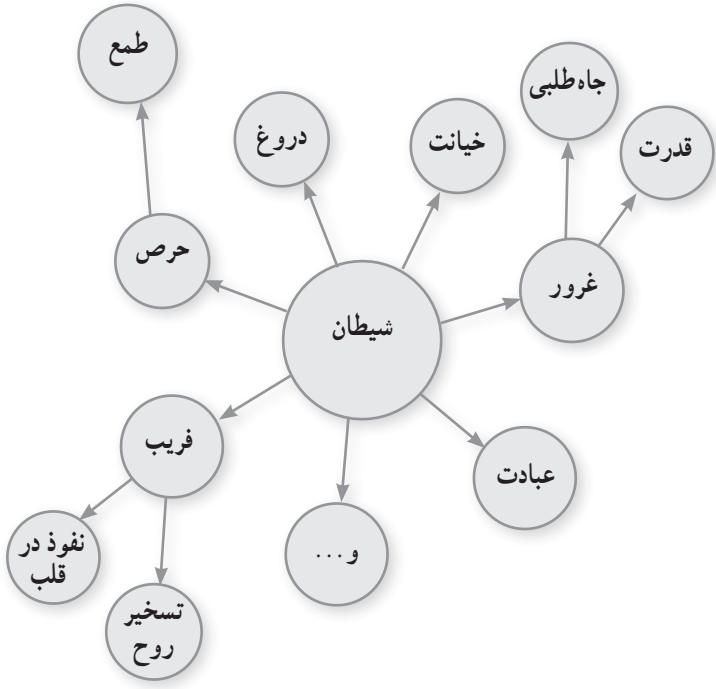
درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

فعالیت ۳

فعالیت ۲

فعالیت ۱

کارگاه نوشتن (فعالیت نگارشی یکم)



– متن ذهنی که با استفاده از تضادّ معنایی (تضادّ مفاهیم) خلق شده است :

## ❁ بازی «آوا و سکوت» ❁

روزی که درختان سکوت کردند،  
 پرندگان کوچک بازیگوش از لابه‌لای شاخه‌هایشان به پرواز درآمدند؛  
 درختان سکوت کردند.  
 اما؛  
 پرندگان،  
 همان پرندگان بازیگوش را می‌گویم،  
 موسیقی ذهن درختان را به گوش همه رساندند.  
 سکوت درختان پر از آواهای شنیدنی بود،  
 سکوتی پریهاهو و سرشار از آواز و سرود،  
 و در آن آواهایی شنیدنی و نواهایی پر رمز و راز موج می‌زد.  
 یک متناقض‌نمای تمام عیار!  
 سکوت درختان، همهٔ باغ را به بازی گرفته بود؛  
 بازی «آوا و سکوت».



## هنجارنوشتار

در این درس با ابزار زبانی دیگری آشنا می‌شویم که موجب انسجام متن می‌شود: نشانه ربط تقابلی.

اما، ولی، اگرچه..... ولی، با وجود این،.....

این نشانه نیز از ابزارهای زبانی انسجام متن است و نقش آن بیان تقابل است، مثال:

کودکانی که گنجینه واژگانی گسترده‌تری دارند از درک متن بالاتری هم برخوردارند. با وجود این، شناخت واژه‌ها به تنهایی نمی‌تواند موجب افزایش درک متن شود.

نویسنده، ابتدا جمله اول را می‌نویسد که پیامی دارد. سپس با استفاده از نشانه «با وجود این» در تقابل با پیام اول، جمله دوم را به آن پیوند می‌زند. معمولاً دانش‌آموزان در کاربرد این نشانه‌ها مشکل دارند و به درستی متوجه نقش آنها نیستند. برای نمونه کلمه «اگرچه» را می‌نویسند اما چرایی آن معلوم نیست و واژه رها شده است و عملاً هیچ پیوند معناداری ایجاد نشده است.

درس هشتم



# نوشته‌های داستان گونه



# نمایهٔ درس هشتم

عنوان : نوشته‌های داستان گونه

محتوا : شناخت عناصر اصلی داستان و خلق نوشته‌های داستان گونه.

متن و تصویر	کارگاه نوشتن	هتجار نوشتار	مَثَل نویسی
در این درس به چند عنصر اصلی داستان اشاره شده است : شخصیت پردازی ماجرای داستان فضا روایت (شیوهٔ بیان، زاویهٔ دید) ذکر نمونه‌های داستانی	مشخص کردن عناصر داستان در نمونه ذکر شده. خلق نوشته‌ای داستانی براساس عناصر داستانی. ارزیابی نوشته بر اساس سنجه‌ها	استفادهٔ صحیح از نشانه‌های انسجام متن	بازآفرینی یک مَثَل از میان مَثَل‌های ارائه شده و گسترش آن

## اهداف درس

- آشنایی با داستان گونه نویسی به عنوان یکی از گونه‌های نوشتهٔ ذهنی؛
- آشنایی با شخصیت پردازی در نوشته‌های داستان گونه؛
- آشنایی با طرح ماجرا و خلق حادثه؛
- آشنایی با اهمیت فضا سازی در نوشته؛
- تقویت توانمندی در به کارگیری زاویهٔ دید مناسب در نوشته‌های داستان گونه؛
- تقویت توانمندی معرفتی شخصیت‌های داستان با بهره‌گیری از گفت‌وگو؛
- توانایی درک فضای سازی داستان؛
- توانایی خلق شخصیت‌هایی متناسب با فضای داستان؛
- شناخت و درک اهمیت شیوهٔ بیان به عنوان یکی از ارکان روایت؛
- آشنایی با نمونه‌های ارزنده‌ای از داستان کوتاه؛
- آشنایی با نقش ابزار زبانی «نشانهٔ ربط سببی».

## روش‌های تدریس

### روش تدریس همیاری گروهی گام نخست: انتخاب داستان

ابتدا داستانی کوتاه را که متناسب با ردهٔ سنی دانش‌آموزان پایهٔ دهم است، انتخاب می‌کنیم.

## سنگ و سنگ تراش

روزی، سنگ‌تراشی که از کار خود ناراضی بود و احساس حقارت می‌کرد، از نزدیکی خانهٔ بازرگانی رد می‌شد. در باز بود و او خانهٔ مجلل، باغ و نوکران بازرگان را دید و به حال او غبطه خورد. با خود گفت: این بازرگان چقدر قدرتمند است! و آرزو کرد که او هم مانند بازرگان باشد. در یک لحظه، به فرمان خدا او تبدیل به بازرگانی با جاه و جلال شد! تا مدت‌ها فکر می‌کرد که از همه قدرتمندتر است. تا اینکه یک روز حاکم شهر از آنجا عبور کرد. او دید که همهٔ مردم به حاکم احترام می‌گذارند، حتی بازرگانان.

مرد با خودش فکر کرد: کاش من هم یک حاکم بودم، آن وقت از همه قوی‌تر می‌شدم! در همان لحظه، او تبدیل به حاکم مقتدر شهر شد. در حالی که روی تخت روانی نشسته بود، مردم همه به او تعظیم می‌کردند. احساس کرد که نور خورشید او را می‌آزارد و با خودش فکر کرد که خورشید چقدر قدرتمند است.

او آرزو کرد که خورشید باشد و تبدیل به خورشید شد و با تمام نیرو سعی کرد که به زمین بتابد و آن را گرم کند. پس از مدتی ابری بزرگ و سیاه آمد و جلوی تابش او را گرفت. پس با خود اندیشید که نیروی ابر از خورشید بیشتر است و آرزو کرد که تبدیل به ابری بزرگ شود و آن چنان شد. کمی نگذشته بود که بادی آمد و او را به این طرف و آن طرف هل داد. این بار آرزو کرد که باد شود و تبدیل به باد شد. ولی وقتی به نزدیکی صخره‌ای رسید، دیگر قدرت تکان دادن صخره را نداشت. با خود گفت که قوی‌ترین چیز در دنیا، صخره است و تبدیل به سنگی بزرگ و عظیم شد. همان طور که با غرور ایستاده بود، ناگهان صدایی شنید و احساس کرد که دارد خرد می‌شود. نگاهی به پایین انداخت و سنگ تراشی را دید که با چکش و قلم به جان او افتاده است!

### گام دوم: توزیع داستان

پس از گروه‌بندی یک نسخه از داستان را در اختیار هر یک از گروه‌ها قرار می‌دهیم.

### گام سوم: تعیین وظایف

وظایف افراد در گروه را مشخص می‌کنیم.

نفر یکم: تعیین شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان و ثبت آن؛

نفر دوم: نوشتن ماجرای داستان در چند سطر، پس از شنیدن کل داستان؛

نفر سوم: مشخص کردن فضای داستان (فضای دوستانه، غم‌انگیز، شاد، بدخواهانه و...);

نفر چهارم: تعیین زاویه دید داستان و همچنین بررسی شیوه بیان آن (از نظر خبری یا حادثه‌ای

بودن و...).

### گام چهارم: انجام دادن کار به صورت انفرادی

داستان توسط اعضا در گروه خوانده می‌شود و هر یک از اعضای گروه، وظایف بخش مربوط به

خود را تحلیل می‌کنند.

### گام پنجم: بررسی داستان به شیوه گروهی

در این مرحله هر یک از فراگیران با اعضای گروه، پیرامون عناصری که مورد بررسی قرار

داده‌اند، به بحث و تبادل نظر می‌پردازند.

### گام ششم: بررسی داستان در کلاس

سخنگویان هر گروه نتایج به دست آمده را در کلاس مطرح می‌کنند و در صورت نیاز

اصلاحات احتمالی توسط معلم اعمال می‌شود. در صورتی که در مورد هر یک از این مراحل

ابهام وجود داشته باشد آن را نیز معلم برطرف می‌سازد.

### گام هفتم: توزیع کار برگ‌ها

در این مرحله به هر یک از گروه‌ها کار برگ زیر تحویل می‌گردد. به آنها می‌گوییم چون قرار است

داستان بنویسید، قبل از شروع، با همفکری نمایه زیر را کامل کنید. سپس بر اساس آن نوشته‌ای

داستان گونه خلق کنید.



## عناصر داستان

زاویه دید و شیوه بیان	فضای داستان	شخصیت‌های داستان	ماجرای داستان
..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... .....	..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... .....	..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... .....	..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... ..... .....

## گام هشتم: طرح داستان و نقد و بررسی آن

در این مرحله، ابتدا یکی از اعضای هر گروه جدول عناصر داستان و سپس داستانی را که اعضای گروه براساس آن تهیه کرده‌اند در کلاس ارائه می‌دهند.

گروه‌های دیگر بر اساس سنجه‌های مورد نظر، داستان را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند.





## درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

### فعالیت ۳

### فعالیت ۲

### فعالیت ۱

#### کارگاه نوشتن (فعالیت نگارشی یکم)

**شخصیت‌ها:** شخصیت اصلی مرد و شخصیت‌های فرعی «کوزه قدیمی» و «کوزه نو».

**ماجرا:** مردی با دو کوزه برای خانواده‌اش آب می‌برد. یکی از کوزه‌ها سالم و مغرور و دیگری ترک خورده است. کوزه ترک خورده به خاطر نقصی که دارد از مرد عذرخواهی می‌کند. مرد برای او شرح می‌دهد که چون از مشکل کوزه آگاه است در مسیر، بذر گیاه کاشته و از این نقص و کاستی به خوبی بهره برده است.

**فضا:** داستان روستایی قدیمی و دور افتاده را نشان می‌دهد و قهرمان داستان با سرزندگی و خوش فکری فضایی امیدوارکننده ایجاد کرده است.

**روایت:** در این داستان از شیوه روایی استفاده شده است.

**زاویه دید/داستان:** سوم شخص

## آگاهی‌های فرامتنی

برای اینکه بتوانیم داستان بنویسیم، لازم است راه و روش آن را بلد باشیم. پس اگر تا حالا سعی کردیم یک داستان خوب بنویسیم ولی نتوانستیم، برای این است که بدون توجه به اصول، شروع به نوشتن کرده‌ایم.

### الف) طرح داستان

داستان برای شکل گرفتن و کامل شدن نیاز به زمان دارد و داستان‌نویس در نوشتن آن نباید عجله کند. زیرا موضوعی (سوژه‌ای) که به ذهن شما می‌رسد باید مدتی در ذهنتان باقی بماند تا هم زمینه‌های مختلف آن را مطالعه کنید و هم در مورد عناصر تشکیل دهنده آن بیندیشید. هر داستانی بعد از مدتی، خودش مانند میوه‌ای رسیده، از شاخه ذهنتان جدا می‌شود و روی صفحه سفید دفترتان می‌افتد.

برای این کار داستان باید مراحل زیر را بگذراند :

۱ موضوع‌یابی

۲ پیام داستان

۳ طرّاحی داستان

۴ رشد و پرداخت داستان

۱ داستان‌نویس قبل از هر چیز باید بداند که قصد دارد درباره‌ی چه موضوعی داستان بنویسد.

۲ از هر موضوعی باید در حدّ خودش انتظار رشد داشت. مثلاً اگر بخواهید رمانی طولانی بنویسید، باید موضوعی را انتخاب کنید که بتوان روی آن بیشتر کار کرد و همچنین نباید با موضوعات بلند، داستان‌های کوتاه بنویسید، زیرا به ورود حوادث پشت سرهم یا ورود شخصیت‌های گوناگون منجر می‌شود و در نتیجه، درست معرفی نمی‌شوند. در این صورت در ذهن خواننده باقی نمی‌ماند و باعث سردرگمی او می‌شوند.

۳ پیام داستان نباید مستقیم بیان شود. بلکه باید مانند قندی که در آب حل شده است، طوری در داستان به خواننده منتقل شود که دیده نشود ولی خواننده در طول داستان شیرینی آن را احساس کند. برای این کار باید در انتخاب شخصیت‌ها، حوادث، گفت‌وگوها و ... بسیار دقت به خرج داد. زیرا هر یک از عناصری که در خدمت داستان هستند، می‌توانند پیام را با قدرت بسیار زیاد به‌نمایش بگذارند.

۴ نویسنده برای نوشتن داستانش باید نقشه داشته باشد. نقشه نویسنده برای نوشتن داستان را «طرح داستان» می‌گویند. پس از آماده و تکمیل کردن طرح داستان است که نویسنده می‌تواند به‌سراغ نوشتن خود داستان برود.

۵ طرح داستان باید روشن و کامل باشد؛ یعنی معلوم باشد که داستان از چه نقطه‌ای شروع شده، چه مسیری را طی کرده و چطور به پایان رسیده است. کمترین توقّعی که خواننده پس از خواندن داستان دارد، این است که بتواند طرح آن را تعریف بکند. یعنی بگوید که داستان درباره‌ی چه کسی یا چه چیزی بوده، چگونه شروع شده، چطور ادامه پیدا کرده و چطور پایان یافته است.

۶ هر عمل و حادثه‌ای که در داستان اتفاق می‌افتد، باید با دلیل روشن و محکمی همراه باشد و علت بروز آن عمل و حادثه نیز در داستان باید به نحوی روشن باشد.

۷ در هر طرح باید شخصیت اصلی، حادثه اصلی، زمان و مکانی که حادثه در آن روی داده است، کاملاً روشن و مشخص باشند.

۸ طرح داستان باید در خدمت پیام داستان باشد. گاهی اوقات در حین نوشتن و تکمیل کردن طرح داستان، حوادث پرهیجان با شخصیت‌های جالبی به ذهن نویسنده می‌رسد که نه تنها نقشی در انتقال پیام ندارد، بلکه باعث کم رنگ شدن آن نیز می‌شود.

### ب) شخصیت پردازی

۱ پرداخت مستقیم ویژگی‌های شخصیت‌ها معمولاً در داستان‌هایی صورت می‌گیرد که تعداد آنها زیاد باشد و نویسنده در طول داستان، مجال پرداخت غیر مستقیم مشخصات آنها را پیدا نکند به همین جهت خصوصیات آنها را در یک یا دو جمله از زبان خود یا از زبان شخصیت‌های داستان بیان می‌کند. در داستان‌هایی که یک یا دو شخصیت اصلی دارند، این کار از قوت داستان می‌کاهد و نویسنده باید غیر مستقیم - یعنی از طریق گفتار و کردار آن شخصیت‌ها - به آنها پردازد.

۲ در داستان‌هایی که تعداد شخصیت‌ها زیاد است باید خصوصیات آنها را بیان کرد که در داستان نقش اصلی دارند. در غیر این صورت، باعث پراکندگی ذهن خواننده می‌شود.

۳ نباید همه لحظاتی را که بر شخصیت‌های داستان می‌گذرد، با ذکر جزئیات در داستان بیاوریم، بلکه تنها به لحظاتی باید پرداخت که در آن زمان، حوادث خاص - که در طرح داستان نقشی داشته باشند - اتفاق می‌افتد. از لحظات دیگر به راحتی و تنها با اشاره می‌توان گذشت.

۴ داستان‌هایی که از زبان اول شخص تعریف می‌شود، داستان‌های عاطفی و دارای فضای صمیمانه‌اند و داستان‌هایی که از زبان سوم شخص به آنها پرداخته می‌شود، داستان‌های حادثه‌ای هستند و بهتر است که جایگاه این دو رعایت شود.

## انواع شخصیت در داستان

**شخصیت اصلی:** شخصیت اصلی، شخصیتی است که همه حوادث و شخصیت‌ها به معرفی او می‌پردازند. اوست که حوادث مهم را پیش می‌برد و از همه مهم‌تر، سرنوشت و پایان ماجراهای اوست که اهمیت پیدا می‌کند. به چنین شخصیتی، شخصیت اول یا اصلی می‌گویند. به عبارت دیگر، مهم‌ترین شخصیت داستان، شخصیتی محوری است که همه طرح و پرداخت

داستان در جهت معرفی و مشخص کردن سرنوشت او به کار گرفته می‌شود و محوریت حوادث بر رفتار، اعمال، اندیشه و احساسات او قرار می‌گیرد.

شخصیت اصلی، کشمکش خود را با زنجیره‌ای از حوادث پیش می‌برد و ساختار روایی داستان را ایجاد می‌کند. شخصیت اصلی، مهم‌ترین درون مایه، پیام و یا حس داستانی را منتقل می‌کند و دست کم در انتقال آن نقش اساسی دارد.

### نمونه‌هایی از شخصیت اصلی در داستان :

در رمان «چشم‌هایش»، از «بزرگ علوی»، «استاد ماکان» شخصیت اصلی و محوری است. در رمان «سرخ و سیاه»، «ژولیان» شخصیت اصلی است. اوست که حوادث را پیش می‌برد و پایان و سرنوشت اوست که برای خواننده اهمیت پیدا می‌کند. «خالد» قهرمان رمان «همسایه‌ها» نوشته «احمد محمود» شخصیت اصلی است. «بابا سبحان» در «آوسنه باب سبحان» اثر «محمود دولت آبادی»، «آهو خانم» در «شوهر آهو خانم» از «علی محمد افغانی»، «مرسو» در «بیگانه» اثر «آلبر کامو»، و «اما بوواری» در «مادام بوواری» اثر «گوستاو فلوربر» نمونه‌هایی از صدها نمونه شخصیت اصلی داستان‌ها هستند که می‌توان از آنها نام برد.

فردی که در مرکز داستان کوتاه، رمان، نمایشنامه و فیلم‌نامه قرار می‌گیرد و نویسنده سعی می‌کند که توجه خواننده یا بیننده را به او جلب کند، «شخصیت اصلی» است. «شخصیت اصلی»، گاهی مترادف «قهرمان اصلی» می‌آید، گرچه ضرورتی ندارد که شخصیت اصلی همیشه خصوصیت‌های قهرمانی داشته باشد.

شخصیت اصلی، خوب یا بد، همواره با نیرویی معارض به کشمکش برمی‌خیزد. از وقتی که «کشمکش میان شخصیت اصلی با معارضش» آغاز می‌شود «پیرنگ داستان» شکل می‌گیرد. در داستان «داش آکل» نوشته «صادق هدایت»، «داش آکل»، شخصیت اصلی داستان و «کاکا رستم» شخصیت مخالف اوست، که این‌ها در برابر هم قرار می‌گیرند.

**شخصیت‌های پویا و ایستا :** یکی از انواع تقسیم‌بندی‌های شخصیت، شخصیت‌های ایستا و شخصیت‌های پویا (متحول) است.

**شخصیت ایستا :** شخصیتی است که در داستان تغییر نکند یا تغییرش اندک باشد و در پایان داستان همان باشد که در آغاز بوده است، طوری که حوادث داستان بر او تأثیر نگذارد. برای نمونه

«خورشید شاه» قهرمان داستان «سمک عیار» با همه تحولاتی که پشت سر می‌گذارد باز در پایان داستان همان شخصیت آغاز قصه را دارد.

**شخصیت پویا:** شخصیتی است که مدام در طول داستان، دچار تغییر و تحول شود و جنبه‌ای از شخصیت او، (عقاید، جهان‌بینی یا خصلت و خصوصیات شخصی) دگرگون شود. این دگرگونی در شخصیت ممکن است عمیق، سطحی، پیش‌یا افتاده، پر دامنه یا محدود باشد. ممکن است در جهت سازندگی شخصیت‌ها یا تخریب و ویرانگری آنها عمل کند یعنی در جهت متعالی کردن فرد یا در زمینه تباهی و نابودی او پیش برود. این تغییر، اساسی و حائز اهمیت است و تغییر لحظه‌ای و زودگذر نیست که حالت یا عقیده شخص را دگرگون نماید.

شاهکارهای ادبی اغلب دارای شخصیت‌های پویا هستند. شخصیت‌های آنها در سیر حوادث تغییر و تحول می‌یابند. در واقع از قانون طبیعت و زندگی بشری پیروی می‌کنند و متحول می‌شوند. انسان چون موجودی پویاست. وقایع و اوضاع اجتماعی باعث تغییر در ابعاد شخصیتی او می‌گردد و او را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

رمان، نمایشگر این تغییر و دگرگونی است. البته در هر داستانی نمی‌توان انتظار تحول شخصیت‌ها را داشت. در داستان کوتاه، مجال برای این امر نیست. به همین دلیل اغلب شخصیت‌های داستان کوتاه ممکن است شخصیت‌های ایستایی باشند که در طول داستان خصوصیات ثابت یا کم تغییر دارند.

در داستان‌های بازاری، جنایی و پلیسی تغییرات در شخصیت‌ها اغلب سرسری، کاذب و ناگهانی است و صرفاً برای رضایت خواننده و داشتن پایان خوش است که این تغییرات صورت می‌گیرد. این چنین تغییرات، کمتر باورکردنی و معقول به نظر می‌رسد. برای قانع کردن خواننده باید سه عامل مهم، یعنی امکانات شخصیت، اوضاع و احوال و مقتضیات زیستی محیط و زمان را در نظر گرفت. تغییر و تحول شخصیت باید سه اصل را داشته باشد:

- تغییرات و دگرگونی‌ها باید در حد امکانات شخصیتی باشد که این تغییرات را موجب می‌شود.
- تغییرات باید معلول اوضاع و احوالی باشد که شخصیت در آن واقع است.
- زمان کافی برای اجرای این تغییرات وجود داشته باشد تا به تناسب درجه اهمیت آن تغییرات، باورکردنی جلوه کند.

پس تغییر باید اساسی صورت گیرد و زمان در آن بسیار مهم است. چرا که تغییر ناگهانی برای خواننده باورکردنی و واقعی نیست.

**شخصیت قالبی:** شخصیت‌هایی هستند که به صورت نسخه بدل یا کلیشه‌ای شخصیت‌های دیگرند. شخصیت‌های قالبی از خود هیچ تشخیصی ندارند و بی‌هویت‌اند. ظاهر آنها آشنا و صحبت‌های آنها قابل پیش‌بینی است. طرز عمل و نوع رفتارشان مشخص است. چرا که ما از قبل با الگوی رفتاری آنها آشنا شده‌ایم.

این نوع شخصیت‌ها در اطراف ما بسیارند و در زندگی روزمره به چشم می‌خورند. متمایزترین آنها شخصیت‌هایی هستند که به شخصیت قالبی و ساختگی خود، جنبه حرفه‌ای و کسب و کار داده‌اند، مثل منشی‌ها. معمولاً از گفتار و طرز رفتار شخصیت‌های ساختگی (مثل افراد روشنفکرنا، مقدس‌مآب، مظلوم‌نما) به خصوصیت‌های قالبی شخصیت آنها بی‌می‌بریم.

نویسندگانی که بیش از حد به شخصیت‌های قالبی و شناخته شده روی می‌آورند، چندان به خود زحمت نمی‌دهند که به دنبال شخصیت‌های واقعی باشند و به همین دلیل نمی‌توانند شخصیت‌های زنده‌ای بیافرینند. یکی از دلایل این امر را می‌توان کمبود استعداد هنری در خلق شخصیت‌ها دانست. به همین دلیل نویسنده نمی‌تواند شخصیتی را که دارای انسجام کافی باشد خلق نماید. در این گونه آثار، همه شخصیت‌ها به هم شباهت دارند و به آسانی می‌توان آنها را به آثار دیگر منتقل کرد. در آثار نویسندگان بزرگ از شخصیت‌های قالبی اثری دیده نمی‌شود. برای نمونه در «جنگ و صلح» تولستوی پانصد و پنجاه شخصیت وجود دارد و هر کدام از آنها انسانی یگانه و منحصر به فرد است.

**شخصیت‌های قراردادی:** این گونه شخصیت‌ها افراد شناخته شده‌ای هستند که مرتباً در نمایشنامه‌ها و داستان‌ها ظاهر می‌شوند و خصوصیتی جا افتاده و سنتی دارند. این نوع شخصیت‌ها به شخصیت‌های قالبی بسیار نزدیک‌اند و گاه تشخیص این دو از هم دشوار است.

اولین بار این شخصیت‌ها در نمایشنامه‌های کلاسیک ظاهر شده‌اند و در تئاترهای یونان باستان و بعدها در دیگر انواع ادبی جایی برای خود باز کرده‌اند. در قصه‌های قدیمی غول‌ها، پری‌ها، جادوگرها، آدم‌های خسیس و آدم‌های سخاوتمند شخصیت‌های قراردادی بودند که در توصیف خصوصیت‌های آنها مبالغه می‌شد.

از دیگر شخصیت‌های قراردادی در گذشته پهلوانان، عیارها، وزیران دست راست و دست چپ و دلقک‌ها را می‌توان نام برد. هر کدام از این شخصیت‌ها مظهر و نمادی از یک رفتار بودند. مثلاً پهلوانان طرفدار عدل و راستی و عیارها مظهر جوانمردی و طرفدار قشر محروم جامعه بودند. در داستان «حاجی‌آقا» اثر صادق هدایت، الگویی از شخصیت‌های قراردادی گذاشته است و حاجی شخصیتی خسیس نشان داده شده‌است. از خصوصیات شخصیت‌های قراردادی، تازه نبودن خصایص آنهاست و به همین دلیل ما از دیرباز با آنها آشنا هستیم و می‌توانیم رفتار و گفتار آنها را حدس بزنیم.

**شخصیت‌های نوعی:** این نوع شخصیت نشان‌دهنده خصوصیات گروه یا طبقه‌ای از مردم است که این خصوصیت‌ها آنها را از دیگران متمایز می‌کند. برای خلق چنین شخصیتی «باید حقیقت را از چند نمونه زنده و واقعی گرفت» و بعد آنها را با مهارت و هنرمندی درهم آمیخت تا بتوان به شخصیت نوعی مورد نظر دست یافت. شخصیت‌های نوعی، همچون شخصیت‌های قراردادی نیازمند و ام‌دار کیفی سنت‌های ادبی نیستند. ممکن است خصلت یا رفتار تازه‌گروهی یا طبقه خاصی را نشان دهند که در ادبیات سنتی مانند آنها نباشد، مثل خصوصیت‌های نوعی و کیل‌های حیل‌گر و مکار. اگر در طی زمان خصوصیت‌های نوعی دستخوش تغییر و دگرگونی شوند و مصداق خود را از دست بدهند، دیگر نمی‌توان این شخصیت‌ها را نوعی حساب کرد، بلکه در حیطه شخصیت‌های قراردادی از آنها یاد می‌شود.

**پ) نام داستان:** اسم داستان باید جدید، جاذبه برانگیز و خوش آهنگ باشد. اسم داستان نباید طرح داستان را لو بدهد و همچنین باید در ارتباط منطقی با فضای داستان باشد. بهتر است اسم داستان‌تان را در آخر انتخاب کنید؛ زیرا در طول نوشتن داستان، ذهن شما داستان را تغییر می‌دهد و داستانی که در ابتدا قصد داشتید بنویسید همانی نیست که حالا نوشته‌اید.

(داریوش عابدی، پلی به سوی داستان نویسی)

## نمونه‌هایی از روش‌های انتخاب نام داستان



دیدگاه: دیدگاه به معنی زاویه دید را نباید با اعتقاد یا نظر فرد اشتباه گرفت. زاویه دید، نقطه‌ای است که کار از آن نقطه مشاهده می‌شود.

انواع زاویه دید:

- اول شخص (من یا ما)
- دوم شخص (تو یا شما)
- سوم شخص (او یا آنها)

نمونه برای دوم شخص: سوار ماشینت می‌شوی و می‌بینی باقی مانده غذاها هنوز روی صندلی جلو باقی مانده است. همان موسیقی مخصوص برنامه ساعت نه پخش می‌شود.

نمونه برای سوم شخص: از میان جمعیت منتظر برای قطار به سختی خود را بیرون کشید. از پله‌های برقی بالا رفت. احساس سبکی می‌کرد. ناگهان به باد آورد که کیف لب تاپش را در قطار جا گذاشته است.



نمونه برای اول شخص: با احتیاط شیشه را پایین کشیدم. پانصد تومانی کهنه را از لای شیشه بیرون انداختم. دخترک دستان یخزده خود را بالا برد.

معمول‌ترین دیدگاه در ادبیات معاصر، اول شخص و سوم شخص است.

### هنجار نوشتار

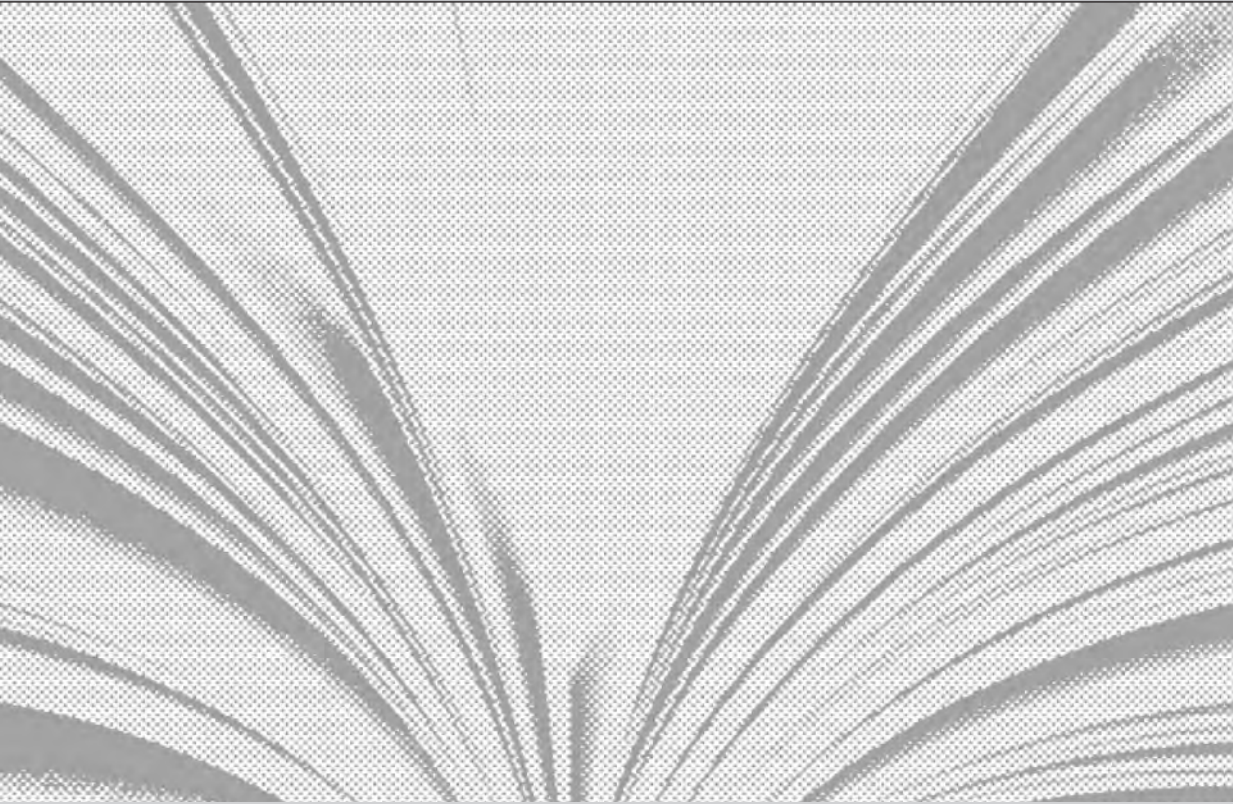
نشانه ربط سببی از دیگر ابزارهای زبانی متن است که موجب انسجام میان گزاره‌های متن می‌شود. نشانه ربط سببی مانند:

چون، زیرا، بنابراین، به همین سبب/دلیل، از آنجایی که، ...

این نشانه، دلیل و علت را بیان می‌کند. نویسنده مطلبی را می‌نویسد و با استفاده از نشانه سببی، چرایی آن را به جمله قبل یا بعد خود پیوند می‌زند، مثال:

مرد سوار دلش به حال او سوخت چون آن مرد افلیج بود. به همین دلیل از اسب پیاده شد و به او کمک کرد تا روی اسب بنشیند.

چنانکه ملاحظه می‌شود، سیر جمله‌ها با استفاده از نشانه ربط سببی پیش می‌رود و به این ترتیب نوشته انسجام خواهد داشت.



# کتابنامه

- ادبیات داستانی، شماره پنجم، تهران، سخن، ۱۳۸۶.
- استفاده از الگوی بدیعه پردازی در درس انشا، الهامی، محسن، تهران، نشر سهیل پویش، ۱۳۸۱.
- آموزش مهارت‌های نوشتاری (نگارش و انشا)، کتاب درسی پایه نهم، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- آوای نام‌ها از ایران زمین، زنگنه، پری، چاپ دوم، تهران: کتابسرا، ۱۳۷۶.
- ایده خلاق، دو بونو، ادوارد، ترجمه بنفشه آشنا قاسمی، تهران، نشر ایران بال، ۱۳۸۹.
- بوی درخت گویا و مصاحبه با مارکز، مندوزا، پلینو، مترجم صفیه روحی، تهران: نشر نو، ۱۳۸۹.
- بیابید داستان بنویسیم، میرکیانی، مهدی، چاپ اول، تهران: نشر طلایی، ۱۳۹۴.
- بیست و هشت اشتباه نویسندگان، جودی دلتون، مترجم سلیمانی، محسن، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۰.
- پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت، الکس اس. اسپورن، مترجم قاسم‌زاده، حسن، انتشارات نیلوفر، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- پلی به سوی داستان نویسی، عابدی، داریوش، ۱۳۷۸.
- پنج داستان، آل احمد، جلال، تهران: نشر فردوس، ۱۳۷۶.
- تفکر خلاق، ووجک، تام، مترجم: پزشکی پور، مهین‌دخت، تهران نشر ساز و کار، ۱۳۸۱.
- چشم ذهن، سیگل، دانیل جی، ترجمه دانایی، فروغ، تهران، نشر ذهن آویز، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- چگونه بنویسیم؟ از خواندن تا نوشتن، نجفی بازکی، معصومه، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۴.
- خلاقیت رویکردی سیستمی، صادقی‌المیری، منصور، تهران، انتشارات امام حسین علیه‌السلام، ۱۳۸۶.
- خلاقیت و نوآوری با نگرش سیستمی، آقایی فیشانی، تیمور، کتاب طلایی جامع، تهران، چاپ دوم ۱۳۸۹.
- داستان نویسی، اینگرمسن، رندی و اکونومی، پیتر، ترجمه کاظمی‌منش، سارا، آوند دانش، ۱۳۹۲.
- درس‌هایی درباره داستان نویسی، بیشاب، لئونارد، محسن سلیمانی، سوم، تهران، سوره، ۱۳۸۲.
- دفتر خاطرات حیوانات، غفاری، علیرضا، انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۰.
- دو کلمه حرف حساب، گزیده‌ای از طنزهای گل آقا، نشر گل آقا، ۱۳۷۴.
- دولت آبادی، محمود: جای خالی سلوچ، تهران: آگاه، ۱۳۵۸.
- راهنمای روش‌های نوین تدریس، آقازاده، محرم، تهران، نشر آبیژ، ۱۳۹۱.
- راهنمای تدریس، مرتضوی زاده، حشمت‌الله، تهران، نشر عابد، چاپ پنجم، ۱۳۹۲.
- رهیافتی منسجم به پرورش تفکر خلاق و انتقادی، بوسترام، رابرت، مترجمان مجید خیام آور، محمد آرمند، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۰.

- روزبه، محمد رضا، ادبیات معاصر ایران، سوم، تهران، روزگار، ۱۳۸۷.
- روش‌ها و فنون تدریس، احمدزاده و دیگران، انتشارات پیام‌نور.
- روش‌ها و فنون تدریس، خورشیدی، عباس، تهران، نشر یسطرون، ۱۳۸۱.
- روش‌های نوین یاددهی - یادگیری و کاربرد آنها در آموزش، اکبری شلدره، فریدون، قاسم پورمقدم، حسین و علیزاده، فاطمه صغری، تهران، انتشارات فرتاب، ۱۳۸۸.
- صدهایی برای نوشتن، آواهایی برای نوشتن، اکبری شلدره، فریدون، انتشارات روزگار، تهران، ۱۳۹۴.
- صدسال داستان نویسی ایران، ج ۳، میرعابدینی، حسن ۱۳۷۸.
- طنزآوران امروز ایران ۱ (مجموعه آثار منوچهر احترامی)، فرشادمهر، فریبا، سوره مهر، ۱۳۸۷.
- عناصر داستان، میرصادقی، جمال، اول، تهران، سخن، ۱۳۸۵.
- عناصر داستان، اسکولز، رابرت، فرزانه طاهری، اول، تهران، مرکز، ۱۳۷۷.
- غلط نویسیم، نجفی، ابوالحسن، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰.
- قدرت خلاقیت در حل مسائل طوفان فکر و سایر تکنیک‌ها، کیانی، منوچهر، تهران، نشر مرنديز، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- قصه نویسی، براهنی، رضا، چهارم، تهران، البرز، ۱۳۶۸.
- لوازم نویسندگی، ابراهیمی، نادر، چاپ اول، تهران: نشر فرهنگیان، ۱۳۶۹.
- ما نیز مردمی هستیم، چهل تن، امیرحسین و فریاد، فریدون، تهران، ۱۳۸۰.
- مثنوی معنوی، مولانا جلال‌الدین محمد، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵.
- مجموعه مقالات: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نشریه داخلی، شماره ۵، پروفیسور امین، سید حسن، اردیبهشت ۱۳۸۷.
- مهارت نوشتن گزارش و طرح، فورسایت، باتریک، ترجمه علیرضا جواهری، تهران: نشر عارف، ۱۳۸۹.
- مهارت‌های آموزشی و پرورشی، شعبانی، حسن، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۶.
- نوشتن خلاق، ریکو، گابریله، ال، مترجم گروه ترجمه، کارگاه نوشتن خلاق برلن، نشر آمه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۱.
- هزار و یک پیشنهاد درخشان برای نویسندگی، شاو، رن، مترجم مریم جلالی، تهران، افراز، ۱۳۹۲.

